



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

دکتر مهناز اخوان تفتی\*

## پی‌آمدهای طلاق در گذار از مراحل آن

\* استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه الزهرا  
makhavan@alzahra.ac.ir

## چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی پی‌آمدهای عاطفی، اجتماعی و اقتصادی برای مردان و زنان در مراحل قبل، حین و پس از طلاق انجام شده است. روش تحقیق، پیمایشی و جامعه‌ی پژوهش، دربرگیرنده‌ی همه‌ی مردان و زنان مطلقه‌ی شهر تهران است که دست‌کم یک سال از زمان طلاق‌شان گذشته باشد و دارای فرزند نیز باشند. نمونه‌گیری، بر حسب در دسترس بودن مواردی صورت گرفته است که دارای شرایط مذکور باشند. تعداد نمونه، ۱۱۶ نفر (۶۳ زن و ۵۳ مرد) بوده است. ابزار تحقیق، پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته با ۹۵ سؤال اصلی و اطلاعات جمعیت‌شناختی و با ضریب پایایی ۰/۹۱ است. در تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، از مجذور کای، آزمون  $t$  و تحلیل واریانس یک‌طرفه و چندمتغیره استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش بدین شرح است:

- تقریباً نیمی از افراد نمونه، تمام یا بخشی از مهریه را دریافت/پرداخت نموده‌اند.
- افراد نمونه دارای تحصیلات متوسط، کارمند و با درآمد پائین بوده‌اند.
- بیشترین آمار طلاق در نمونه‌ی مورد پژوهش در بازه‌ی سنی ۲۳ تا ۳۳ سال بوده و بالاترین فراوانی طلاق در ۵ سال اول زندگی مشترک رخ داده است.
- آسیب‌پذیری زنان از پی‌آمدهای اجتماعی طلاق بیشتر بوده است.
- مشکلات اقتصادی تأثیر مشابهی بر زنان و مردان داشته، اما نگرانی زنان از آینده‌ی اقتصادی خود و در مورد فرزندان و گفته‌ی مردم بیشتر از مردان بوده است.
- مردان و زنان، هر دو از ازدواج مجدد بیزار بوده‌اند.
- هم زنان و هم مردان، احساس مشابهی از رهاشدن پس از طلاق، خوش‌بینی نسبت به آینده، عدم تمایل به مشورت با دوستان درباره‌ی جدائی‌شان و تفاهم نداشتن با همسر داشته‌اند.
- مردان و زنان، دشواری مراحل طلاق را مشابه تجربه کرده‌اند و به ترتیب مراحل بعد، قبل و حین برای‌شان دشوار بوده است.

## کلیدواژه‌ها

پی‌آمدهای طلاق (اجتماعی، اقتصادی، عاطفی)؛ مراحل طلاق (قبل، حین، پس)

## مقدمه

طلاق<sup>۱</sup> با ازدواج و خانواده که از مهمترین نهادهای جامعه‌ی بشری است ارتباط دارد. طلاق بدعتی اجتماعی است و به عنوان ابزاری اجتماعی در مواجهه با شکست در ازدواج به کار گرفته می‌شود. غالباً در فرآیند طلاق، یکی از طرفین وابستگی، درگیری عاطفی و رنج بیشتری را متحمل می‌شود و مدتی طولانی‌تر در بحران به سر می‌برد. طلاق موجب ازهم‌پاشیدگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی می‌شود و در بیشتر موارد آثار مخرب آن بر زنان بسیار شدیدتر از مردان است (پوتن، ۱۹۸۷).

طبق گزارش مرکز ملی آمار و ارقام بهداشتی آمریکا (۱۹۸۴)، در چهل سال گذشته، شمار روابط منجر به طلاق تقریباً سه برابر گردیده‌است. به طوری که سالانه یک میلیون کودک آمریکایی در پی طلاق والدین‌شان شاهد ازهم‌پاشیدن خانواده‌شان هستند (مرکز آمار و سرشماری آمریکا، ۱۹۹۸) [۱۷].

در جامعه‌ی ما نیز از هر ۱۰۰۰ مورد ازدواج، حدود ۱۷۴ مورد به طلاق منجر می‌گردد. آمار طلاق مربوط به شش ماه اول سال ۷۷، نشان می‌دهد که نرخ طلاق در مقایسه با شش ماه اول سال ۷۶، به میزان ۱/۵۸ درصد افزایش یافته‌است. این در حالی است که نرخ وقوع ازدواج در همین دوره‌ی زمانی ۲/۷۱ درصد کاهش نشان می‌دهد (بهراری، میروسی، ۱۳۷۷).

طلاق، پی‌آمدهای عمیق اجتماعی، روانی، قانونی، اقتصادی و والدینی دارد (رابرت ویس، ۱۹۷۵). نخستین پی‌آمد اجتماعی که زن یا مرد پس از جدایی تجربه می‌کند، از دست دادن پایه‌هایی است که هویت اجتماعی وی بر آنها بنا شده. علائم روانی-عاطفی طلاق، مانند ناکامی، ماتم‌زدگی، نگرانی، وحشت، اضطراب، ترس، خشم و ... طرفین را در وضعیت آسیب‌پذیری قرار می‌دهد. شدت و میزان تنش‌های جدایی، بستگی به فاعل<sup>۲</sup> یا مفعول<sup>۳</sup> بودن در فرآیند

1. Divorce  
2. Leaver  
3. Left

طلاق دارد [۱۷]. گاه به دلیل مشکلات مالی پس از طلاق و منافع فرزندان، با وجود نبود روابط عاطفی، زن و شوهر مجبور به اداره‌ی زندگی با یکدیگر می‌شوند (متل، ۱۹۹۶).

امروزه، نهضت «طلاق بدون تقصیر»<sup>۱</sup> در آمریکا موجب تسهیل طلاق گشته، اما در عوض، باعث افزایش پیچیدگی‌های قانونی در موضوع‌های مرتبط با حضانت، نفقه و تقسیم دارائی‌ها شده‌است (گلد، ۱۹۸۸).

مشکلات افت تحصیلی، رفتاری، عاطفی، عزت نفس پایین و روابط بین‌فردی، صرف‌نظر از عامل جنس و سن، در بین بچه‌های طلاق بیشتر از بچه‌های غیرطلاق گزارش شده‌است (اماتو، ۲۰۰۱). عوامل تنش‌زا و بحرانی که والدین به هنگام طلاق و پس از آن تجربه می‌کنند، بر کیفیت نقش والدینی‌شان تأثیر می‌گذارد. هر چه به آن‌ها کمک شود تا تنش کمتری داشته‌باشند، کیفیت والدینی‌شان افزوده می‌شود (یون و همکاران، ۲۰۰۰).

فرآیند طلاق، نه آسان است و نه سریع. به طور متوسط، دست‌کم دو سال طول می‌کشد تا طرفین تعادل، قدرت ازدست‌رفته را باز یابند و زمانی بسیار طولانی‌تر نیاز است تا بتوان بر ویرانه‌های برجای‌مانده، بنائی نوبنیان نهاد (کلپ، ۱۹۹۲).

از نظر وایزمن<sup>۲</sup> (۱۹۷۵)، طلاق فرآیندی است که با تجربه‌ی بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با سعی در حل تعارضات زناشویی، از طریق جدایی، با ورود به موقعیتی جدید با نقش‌ها و سبک زندگی متفاوت خاتمه می‌یابد (گاتمن، ۱۹۹۳).

نظریه‌پردازان و پژوهش‌گران طلاق، طلاق را به عنوان فرآیندی نگریسته‌اند که از مراحل مختلف ترکیب شده‌است. این مراحل، تفاوت‌های کیفی در نوع مواجهه با مسائل طلاق و درجه‌ی سازگاری افراد با آن نشان می‌دهد (سیف، ۱۳۷۹).

1. No Fault Divorce  
2. Reva s. Wiseman

از نظر کاسلو (۱۹۸۶)، اسپرانکل و استورم (۱۹۸۳)، طلاق دربرگیرنده‌ی سه دوره است: ۱) دوره‌ی قبل از طلاق / تصمیم‌گیری؛ ۲) دوره‌ی حین طلاق / بازسازی و ۳) دوره‌ی پس از طلاق / بهبودی (یانگ و لانگ، ۱۹۸۸).

عوامل گوناگونی در بروز طلاق مؤثر است که از جمله می‌توان به عوامل اقتصادی، اجتماعی، روانی و عوامل تنش‌زای درونی و بیرونی اشاره نمود [۹]. سپهریان علل مؤثر بر طلاق را به‌ترتیب ناسازگاری رفتاری و اخلاقی، دخالت بی‌جای خویشاوندان، گرفتن یا داشتن زن دیگر، فساد اخلاقی، اعتیاد، عدم احساس مسئولیت مرد نسبت به خانواده، آزار و اذیت توسط مرد، تنفر از همسر، بیماری روانی، مشکل امرار معاش، ازدواج در سنین پایین و اختلاف سنی و فرهنگی زیاد برشمرده است [۴]. عوامل تنش‌زا و بحرانی که زوجین به هنگام طلاق و پس از آن تجربه می‌کنند، چرخه‌ی از مسائل و مشکلات را برای‌شان پدید می‌آورد که ناخواسته نیازمند تغییر و تحولات بی‌شمار و سازگاری با آن‌ها است. پی‌آمدهای این تغییرات، همه‌ی زمینه‌های زندگی را، از امور روزمره تا وضعیت اقتصادی، اجتماعی، روانی، هویتی و حتا اهداف زن و مرد، تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

در پژوهش حاضر، آثار گوناگون اجتماعی، عاطفی و اقتصادی طلاق بر زوجین در مراحل قبلی، حین و پس از طلاق مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌است.

### دیدگاه‌های گوناگون در مورد پی‌آمدها و مراحل طلاق

آثار طلاق سهمگین‌تر از آن است که از ابتدا بتوان به عمق زیان‌های روانی-عاطفی آن پی برد. طلاق، عشق را به نفرت، یگانگی را به بیگانگی، اعتماد را به بی‌اعتمادی و محبت و حمایت را به خشم و انتقام تبدیل می‌کند [۱۶].

ترافورد در پژوهش خود که با صدها مرد و زن مطلقه انجام داده ویژگی‌های روانی-عاطفی آن‌ها را چنین گزارش کرده‌است: اضطراب، تشنج، تنهائی، احساس

عدم کفایت و بی‌لیاقتی، احساس شکست، عزت نفس پایین، عدم تعلق و وابستگی، ازهم‌پاشیدگی، عدم کنترل، قربانی بودن، بیچارگی، خشم، عصبانیت، در پی انتقام، احساس گناه، ترس و وحشت و امثال آن [۱۰].

طلاق به معنای تقسیم قابلیت‌ها، دارائی‌ها و سرمایه‌ئی است که زن و شوهر در طی زندگی مشترک با هم اندوخته‌اند [۱۶]. مشکلات مالی، نه تنها در طلاق، بلکه سال‌ها پس از آن افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جوآن گران‌ت و ملوین برک در کتاب خود تحت عنوان **بازی طلاق**، خاطرنشان می‌سازند که در طلاق، طبقات فقیر، متوسط و ثروتمند، همه، یک‌سان ضرر می‌بینند. نگرانی‌های مالی در تصمیم‌گیری‌های طلاق بسیار جدی است، چون نه تنها سرمایه‌های خانواده که حاصل دست‌رنج مشترک زن و شوهر است در کشاکش طلاق به تاراج می‌رود، بلکه زمینه‌های حقوقی، دادگاهی، مشاوره، نفقه، سرپرستی فرزندان و هزینه‌ی تشکیل زندگی مجدد نیز به آن اضافه می‌شود. جوآن کلی و جویدیت والرستین (۱۹۸۹)، گزارش کرده‌اند که یکی از نگرانی‌های عمده‌ی نمونه‌ی طبقه‌ی متوسط در پژوهش آن‌ها، مشکلات مالی بوده‌است [۸].

آماتو<sup>۱</sup> (۱۹۹۴)، تفاوتی عمده بین زنان و مردان در پی‌آمدهای اقتصادی طلاق گزارش کرده‌است. به‌خصوص برای مادرانی که مسئولیت فراهم‌نمودن امکانات زندگی فرزندان(ان)شان را نیز بر دوش دارند. این در حالی است که در بسیاری از جوامع، زنان پس از طلاق حق انتظار حمایت و بازگشت به خانواده‌ی اولیه‌شان را نیز ندارند [۲۰].

طلاق بر روابط و پایگاه اجتماعی افراد تأثیرات متفاوتی می‌گذارد. جامعه‌شناس معروف، رابرت ویس (۱۹۷۵)، تحول ارتباطات اجتماعی زوجین طلاق‌گرفته را با دوستان خانوادگی‌اشان در سه مرحله توصیف کرده‌است: مرحله‌ی نخست، توجه و هم‌دردی بیش‌ازحد آن‌ها که حتا گاه موجب مزاحمت می‌شود. مرحله‌ی دوم، تغییر دیدگاه آن‌ها در مورد فرد و اعتقاد به تغییر مسیر وی، و مرحله‌ی سوم، جدایی تدریجی به علت حذف اشتراک‌های قبلی و

رسیدن به این نتیجه که ادامه‌ی ارتباط نفعی به حال هیچ یک از طرفین ندارد [۸]. گاه، پیش‌بینی عواقب طرح موضوع بین بستگان موجب تداوم زندگی ناگوار می‌شود. غالباً، هم زن و هم شوهر سعی در مخفی نگه‌داشتن موضوع جدائی‌شان از اطرافیان، خانواده، بستگان و دوستان دارند [۱۶].

در نظر گرفتن طلاق به عنوان یک فرآیند و نه یک رویداد، نه تنها به عامل زمان اشاره دارد، بلکه به چندبعدی بودن و پیچیدگی آن نیز می‌پردازد. نظریه‌پردازان و پژوهش‌گران، طلاق را به عنوان فرآیندی ترکیب‌شده از مراحل مختلف نگریسته‌اند. این مراحل، تفاوت‌های کیفی در نوع مواجهه با مسائل طلاق و درجه سازگاری افراد با آن نشان می‌دهد (گاتمن، ۱۹۹۳).

به اعتقاد ویزمن، گذر از مراحل طلاق که وی آن را فرآیندی سرشار از اندوه، غم و همچنین رشد می‌داند، دربرگیرنده‌ی پنج مرحله‌ی هم‌پوش است: انکار<sup>۱</sup>، فقدان و افسردگی<sup>۲</sup>، خشم و دوسوگرایی<sup>۳</sup>، تغییر سبک زندگی و هویت<sup>۴</sup>، پذیرش و انسجام<sup>۵</sup>.

گذر از طلاق را می‌توان در سه مرحله‌ی کلی بخش‌بندی کرد: (۱) قبل از جدایی، (۲) انتقال و بازسازی و (۳) نقاهت و نوسازی. افراد در مرحله‌ی نخست تصمیم‌گیری و اقدام قانونی برای طلاق، تجاربی بسیار متغیر دارند. بعضی خشمگین و متنفرد، برخی ناامید و دارای احساس غرق شدن و برخی نیز شگفت‌زده و مبهوت اند. این دوره، برای افراد مختلف ممکن است هفته‌ها، ماه‌ها و حتی سال‌ها به طول بیانجامد. دوره‌ی دوم، دوره‌ی انتقال و بازسازی، برای اکثریت همان تجربه‌ی حین طلاق است؛ گرچه افراد مختلف با درجاتی از ضعف و شدت آن را تجربه می‌کنند. در این دوره، طرفین در برخورد با تغییرات، غم از دست دادن، و مشکلات عملی‌ئی که از ابتدا نه تنها پیش‌بینی‌شونده، که حتی قابل تصور نیز نبوده‌است، شوک و آسیب‌هایی را تجربه می‌کنند (کلپ، ۱۹۹۲).

---

1. Denial  
2. Loss & Depression  
3. Anger & Ambivalence  
4. Reorientation  
5. Acceptance & Integration

در این دوره که معمولاً دو سال به طول می‌انجامد، برخی افراد برای آسان‌تر شدن تحمل دشواری معامله‌ی گذشته‌ی آشنا با آینده‌ی نامعلوم، انزوا، فرار، خواب، کار، وقت‌گذرانی با دوستان، خشونت، بی‌اشتهایی، بی‌تفاوتی و گریه اختیار می‌کنند؛ گروهی نیز به الکل، مسکن خواب‌آور و مذهب پناه می‌برند و عده‌ئی نیز در جست‌وجوی کمک و حمایت حرفه‌ئی برمی‌آیند.

به دوره‌ی نقاهت و نوسازی پس از طلاق، دوره‌ی برزخ<sup>۱</sup> گفته شده‌است: زمانی که افراد از خاکستر آتش طلاق برمی‌خیزند. این دوره، گاه دو سال طول می‌کشد تا آغاز شود و پس از آن معمولاً دو یا سه سال و حتا بیشتر ادامه می‌یابد.

این دوره، نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت و مسیر زندگی افراد دارد که سرانجام راه رشد و کمال را می‌پیمایند یا فلاکت و درماندگی! اگرچه دوره‌ی نوسازی، دوره‌ئی آرام و بی‌مشکل نیست و فراز و نشیب‌ها و موانع زیادی بر سر راه دارد، با این وجود، فقط افرادی با موفقیت این مرحله را پشت سر می‌گذارند که واقعیت پایان یافتن زندگی مشترک و گسستن پیوند گذشته را پذیرفته و موفق به ایجاد هویتی نو برای خود شده‌باشند؛ بر احساس وابستگی و خشم خود غلبه نموده و قادر باشند دورنمای زندگی آینده‌شان را رسم کنند؛ اولویت‌هایشان را بشناسند و اهدافی معقول در نظر بگیرند تا روش زندگی رضایت‌بخشی بیابند (همان).

از نظر کاسلو (۱۹۸۶)، اسپرانکل و استورم (۱۹۸۳)، طلاق دربرگیرنده‌ی سه دوره است: (۱) دوره‌ی قبل از طلاق / تصمیم‌گیری، (۲) دوره‌ی حین طلاق / بازسازی و (۳) دوره‌ی بعد از طلاق / بهبودی [۱۷]. هر یک از دوره‌ها از مراحل تشکیل شده و هر مرحله نیز شامل خرده‌مراحل است.

دوره‌ی نخست، با تجربیات نارضایتی روزافزون نسبت به روابط زناشویی در هر یک از زوجین آغاز می‌شود و با اقداماتی در زمینه‌ی بررسی روند قانونی طلاق و در میان گذاشتن آن با دوستان و خویشاوندان ادامه می‌یابد.



دوره‌ی دوم، زمان تمرکز بر واقعیت‌های مرتبط با مسائل اقتصادی طلاق، تصمیم‌گیری درباره‌ی محل زندگی هر یک از زوجین پس از طلاق، موضوع حضانت و سرپرستی بچه‌ها و موضوع هم‌والدینی<sup>۱</sup> است. این دوره، با احساسات مهمی چون ترس، تنهایی، خشم و طرد عجین شده‌است.

در دوره‌ی سوم افراد سعی در کشف تجربیات و هویت و منابع عشق جدید دارند. این دوره برای برخی مهیج اما برای بعضی با پشیمانی و مقاومت در پذیرش واقعیت همراه است (همان).

کاسلو و شوآرتز (۱۹۸۷)، الگویی جامع و التقاطی ارائه داده‌اند که در آن پویایی‌های رفتار، نظریه‌ی مرحله‌ئی طلاق و واکنش‌های عاطفی به طلاق گنجانده شده‌است. این الگو، پنج عنصر را در بر می‌گیرد:

۱- **توالی زمانی** - این مرحله، پیش‌روی روند طلاق و چارچوب‌های زمانی آن را در بر می‌گیرد.

۲- **ابعاد طلاق** - این مرحله، شامل ابعاد گوناگون طلاق مانند واکنش‌های عاطفی، جریان‌های قانونی، موضوعات اقتصادی، هم‌والدینی، واکنش‌های جامعه‌ئی و واکنش‌های درونی هر یک از طرفین است.

۳- **ابعاد فراروانی** - دربرگیرنده‌ی احساسات و واکنش‌های عاطفی هر یک از زوجین در دوران طلاق است. احساساتی نظیر گنجی، ناامیدی، شوک، تهی بودن، خشم، ابهام، تنهایی، تهییج، پشیمانی، پذیرش، استقلال و خودمختاری.

۴- **رویدادهای رفتاری** - به اعمال یا اقداماتی مربوط می‌شود که هر یک از طرفین در دوران طلاق انجام می‌دهند؛ مانند رویارویی، گریه، چانه زدن، ماتم گرفتن، یافتن دوستان جدید، درد دل کردن با دوستان یا خویشان، یافتن علائق جدید و نظیر آن.

۵- **الزامات درمانی** - برنامه‌های مداخله‌ئی متفاوتی برای هر یک از مراحل طلاق مناسب است. این برنامه‌ها شامل زوج‌درمانی، گروه‌درمانی زوجین، طلاق‌درمانی، کودک-والدین‌درمانی و برنامه‌های حمایتی برای والدین و کودکان

است. برای مثال، زوج‌درمانی برای مرحله‌ی پیش از طلاق (تصمیم‌گیری) و خانواده‌درمانی برای مرحله‌ی حین طلاق (کمک به افراد خانواده، به‌خصوص کودکان)، برای فهم و پذیرش آنچه رخ می‌دهد و گروه‌درمانی برای مرحله‌ی پس از طلاق، به منظور کمک به هر یک از افراد درگیر، برای سازگاری و برنامه‌ریزی برای آینده مفید خواهد بود (همان).

به اعتقاد پل بوهنن، چنان‌چه زوجی تصمیم به طلاق بگیرند، تعدادی مراحل انتقالی عمده در سبک زندگی و نگرش باید طی شود. وی شش مرحله‌ی متداخل طلاق را متمایز می‌سازد که زوجی که از یک‌دیگر جدا می‌شوند ناچار اند آن‌ها را پشت سر بگذارند. همه‌ی این مراحل ممکن است دشواری‌ها و تنش‌هایی پدید آورد که بر زن و شوهر، فرزندان، خویشاوندان و دوستان آن‌ها اثر گذارد.

- ۱- طلاق عاطفی- بیان‌گر رابطه‌ی زناشویی رو به زوال است. تنش فزاینده میان زن و شوهر معمولاً به جدایی می‌انجامد.
  - ۲- طلاق قانونی- متضمن زمینه‌ها و دلایلی است که بر پایه‌ی آن به ازدواج پایان داده می‌شود.
  - ۳- طلاق اقتصادی- به تقسیم ثروت و دارایی‌ها مربوط می‌شود.
  - ۴- طلاق هم‌آهنگی میان والدین- مسائل نگهداری کودک و حق ملاقات را در بر می‌گیرد.
  - ۵- طلاق اجتماعی- به تغییر در دوستی‌ها و سایر روابط اجتماعی مربوط می‌شود که فرد طلاق‌گرفته با آن سر و کار دارد.
  - ۶- طلاق روانی- از طریق آن فرد باید پیوندها و وابستگی عاطفی را قطع کند و با الزامات تنها زیستن روبه‌رو شود.
- مل کرانتزler<sup>۱</sup>، طلاق را نه یک فاجعه بلکه ماجرابی دارای مؤلفه‌های ارزشمند می‌داند که موجب غنی شدن تجربیات فرد می‌شود و منجر به گونه‌ئی

رسش<sup>۱</sup>، توان‌مندی<sup>۲</sup> و خردمندی<sup>۳</sup> در انسان می‌شود. از نظر وی، طلاق فرآیند است، نه یک لقب یا برچسب و چهار مرحله را در این فرآیند شناسایی نموده‌است:

۱- **مرحله‌ی وحشت<sup>۴</sup>** - شامل مرحله‌ی اولیه‌ی جدایی، همراه با احساس عدم کنترل بر اوضاع.

۲- **مرحله ماتم و غم<sup>۵</sup>** - دوره‌ی سوگ‌نشینی پس از خاک‌سپاری زندگی مشترک.

۳- **مرحله‌ی زندگی در حال<sup>۶</sup>** - مرحله‌ی کنار آمدن با زندگی جدید برای ساختن آینده که هر روز آن یک چالش است.

۴- **مرحله‌ی تجدید حیات خود<sup>۷</sup>** - با ورود به این مرحله، شخص درمی‌یابد که می‌توان زندگی اجتماعی، عاطفی و فیزیکی مجرد و خوشحالی را از سر گرفت.

وی تأکید دارد که بهتر است فرصت طی طبیعی مراحل داده شود (داون، ۱۹۹۵).

### پیشینه‌ی پژوهش

به طور کلی، پژوهش‌های انجام‌شده در مورد طلاق در ایران، با موضوعاتی چون عوامل مؤثر بر طلاق، مقررات مربوط به طلاق و تأثیر طلاق بر فرزندان صورت گرفته‌است [۲۴]. یافته‌های پژوهشی در مورد پی‌آمدهای طلاق خارج از کشور نشان می‌دهد:

1. Maturity
2. Capability
3. Wisdom
4. Terror
5. Mourning
6. Living in the present
7. Self-renewal

آثار طلاق بر مردان و زنان مطلقه که پس از طلاق، دوباره ازدواج نکرده‌اند متفاوت است. زنان با وجود این که شرایط سخت‌تر اقتصادی را تجربه می‌کنند اما از خودمختاری و استقلال بیشتری برخوردار می‌شوند و مردان بیشتر احساس وابستگی و درماندگی می‌کنند [۲۱].

بررسی‌ها در مورد پی‌آمدهای والدینی طلاق نشان می‌دهد که رفتارهای هم‌والدینی مثبت، حمایت‌گر و مشارکتی، الگویی است که با سازگاری مثبت کودک پس از طلاق هم‌بستگی دارد. در حالی که رفتارهای منفی، انتقام‌جویانه و خصمانه، کودکان را در معرض خطر بیشتری قرار می‌دهد [۷].

استوارت و همکاران، فرآیند خانوادگی را مهم‌ترین عامل در کیفیت زندگی فرزندان دانسته و نتیجه گرفته‌اند که رفتار، باورها و وضعیت مادران -چه تنها باشند، چه جدا شده و چه مزدوج-، با رشد و رفتار کودکان‌شان ارتباط مستقیم دارد [۱۴].

یافته‌های بررسی دیگری در این زمینه، نشان داده‌است که در طبقات متوسط و پایین اجتماع، پس از طلاق با زنان برخورد سخت‌تری نسبت به مردان می‌شود و عموماً برای زنان مطلقه حق ازدواج مجدد قائل نیستند [۲۰]. نتایج بررسی دیگری حاکی از آن است که اگر پس از طلاق مسئولیت‌های اقتصادی و تأمین نیازهای فرزندان بر دوش مادر سنگینی کند، خطر افت تحصیلی، افزایش رفتارهای بزه‌کارانه و مشکلات بهداشت روانی مادر و فرزندان افزایش می‌یابد؛ هم‌چنان که دوره‌های رکود اقتصادی بر میزان طلاق می‌افزاید [۲۵].

نتایج طرح ملی مطالعه‌ی طلاق مؤسسه‌ی تحقیقات خانواده‌ی استرالیا (۱۹۹۷) نشان داده‌است که مشقات مالی تجربه‌شده به‌وسیله‌ی مادران سرپرست خانواده، زنان مسن‌تر و زنانی که مورد خشونت همسران‌شان قرار گرفته‌اند بیشتر است [۲۲].

دیکستین (۱۹۸۶)، لمب، استرن‌برگ و تامسون (۱۹۹۹)، پث و امپولد، ترنز و واگان‌کول (۱۹۹۹) دریافته‌اند که بسیاری از زنانی که گسسته‌شدن خانواده‌شان را

تجربه می‌کنند، افزایش پریشانی، افسردگی، تنهایی، خشم، پشیمانی، عدم کنترل و درماندگی را در خود گزارش کرده‌اند. این علائم روان‌شناختی به‌سادگی به واکنش حاد پس از تنش طلاق مربوط نمی‌شود، بلکه برای بسیاری از آنان، مشکلات عاطفی، پس از جدایی نیز سال‌های متمادی ادامه می‌یابد [۱۵].

*اماتو* (۱۹۹۵) در بررسی تطبیقی زنان و مردان مطلقه‌ی هند و آمریکا، به این نتایج دست یافت که زنان (هندی و آمریکایی) پس از طلاق بیشتر از مردان از مشکلات اقتصادی، عاطفی و حمایت اجتماعی رنج می‌برند، اما وضعیت زنان هندی، پس از طلاق در مقایسه با هم‌تایان آمریکائی‌شان بسیار بدتر است. وی دلیل این تفاوت را وابستگی اقتصادی زنان به مردان، وجود خانواده‌های گسترده و باورهای فرهنگی خاص در مورد ازدواج و زنان در هند برشمرده است [۱].

بررسی‌های گوناگون، یافته‌های مشابهی را نشان می‌دهد که به طور متوسط دو سال طول می‌کشد تا زوج‌های طلاق‌گرفته به سازگاری دست یابند و حتی گاهی اوقات نیاز به زمان بیشتری دارد تا مجدداً یک زندگی پایدار و موفقیت‌آمیز تشکیل دهند. به طور کلی، سازگاری با پی‌آمدهای طلاق آسان به دست نمی‌آید [۲۰].

تحقیقات نشان داده‌است که غالباً تلخی‌ها و مرارت‌های طلاق موجب شکل‌گیری نظرات افراطی و تعمیم احساسات منفی به جنس مخالف می‌شود؛ طوری که مرد یا زن احساس می‌کند باید تا آخر عمر از جنس مخالف بپرهیزد، یا برعکس برای اجتناب از تنهایی و بی‌پناهی، پس از طلاق خود را به‌سرعت درگیر روابط جدید کند. با وجود این که هر دوی این حالت‌ها واکنش‌های طبیعی به طلاق قلمداد می‌شود، اما هر دو گونه‌ی این واکنش‌ها آسیب‌زا است [۹].

مرور پژوهش‌های انجام‌شده در مورد پی‌آمدهای روانی-عاطفی، اقتصادی و والدینی طلاق در خارج نشان می‌دهد که در مجموع مواجهه با پی‌آمدهای طلاق برای زنان دشوارتر و آسیب‌زاتر است.

با توجه به شواهد تجربی و پژوهشی پی‌آمدهای ناشی از طلاق و همچنین افزایش نرخ روزافزون طلاق و کاهش نرخ وقوع ازدواج [۳]، نبود/کمبود مطالعات جامع و فراگیر در مورد پی‌آمدهای طلاق و مطالعات تطبیقی زنان و مردان و در رأس آن‌ها ساده‌انگاری و عادی شدن طلاق در جامعه و درخواست‌های متعدد طلاق، انجام چنین پژوهشی را لازم می‌کند.

### اهمیت و اهداف

با توجه به ضرورت‌های یادشده، هدف از پژوهش حاضر دستیابی به اطلاعات روشن و دقیقی بوده‌است که از مقایسه‌ی وضعیت زنان و مردان حاصل شده و آسیب‌پذیری هر یک را در مراحل (قبل، حین و پس از) طلاق با توجه به فشارهای اجتماعی، اقتصادی و عاطفی شناسایی نموده‌است تا بتوان با شناخت بهتر فرآیند و پی‌آمدهای طلاق، چنان‌چه وقوع آن اجتناب‌ناپذیر باشد، راه‌کارهای مناسبی در جهت پیش‌گیری و مواجهه‌ی صحیح با این فشارها ارائه نمود.

همچنین، این پژوهش سعی دارد پاسخ‌هایی مناسب به سؤال‌های پژوهشی زیر ارائه دهد:

- ۱- کدام یک از زوجین بیشتر نگران تأثیر سوء طلاق بر روابط و پایگاه‌های اجتماعی خود هستند؟
- ۲- مرد یا زن، کدام یک بیشتر به خاطر وضعیت مالی و اقتصادی خود به دلیل طلاق تحت فشار هستند؟
- ۳- چه تفاوتی میان زن و مرد در تحمل آثار روانی-عاطفی طلاق وجود دارد؟
- ۴- پدر یا مادر، کدام یک بیشتر نگران فرزندان خود و سرنوشت آن‌ها هستند؟
- ۵- چه تفاوتی میان زن و مرد در تحمل دشواری مراحل طلاق (قبل، حین و بعد) وجود دارد؟

## روش تحقیق

تحقیق حاضر یک پژوهش پیمایشی است که به بررسی و مقایسه پی‌آمدهای روانی، عاطفی، اجتماعی و اقتصادی طلاق در زنان و مردان مطلقه در مراحل قبل، حین و بعد از طلاق می‌پردازد.

در این تحقیق، جامعه‌ی پژوهشی دربرگیرنده‌ی همه‌ی مردان و زنان مطلقه و دارای فرزند شهر تهران است که دست‌کم یک سال از زمان طلاق آن‌ها گذشته باشد. انتخاب نمونه بر حسب در دسترس بودن مواردی که دارای شرایط فوق باشند صورت گرفته و از ۱۵۰ پرسش‌نامه‌ی توزیع‌شده، تعداد نمونه به ۱۱۶ مورد (۶۳ زن و ۵۳ مرد) کاهش یافته‌است. پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته دارای ۹۵ سؤال اصلی درباره‌ی پی‌آمدهای روانی-عاطفی، اجتماعی و اقتصادی در سه مرحله‌ی قبل، حین و پس از طلاق و نیز اطلاعات جمعیت‌شناختی است. ضریب پایایی این پرسش‌نامه با ضریب آلفای کراباخ محاسبه شده‌است ( $\alpha = 0/91$ ).

برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از روش‌های آماری توصیفی برای اطلاعات جمعیت‌شناختی، مجذور کای برای مقایسه‌ی پاسخ‌های مردان و زنان در عامل‌های مختلف، آزمون  $t$  گروه‌های مستقل برای مقایسه‌ی میانگین‌های دو جنس در هر یک از عوامل اجتماعی، اقتصادی و روانی-عاطفی، تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) برای مقایسه‌ی عوامل و همچنین مراحل مختلف طلاق بین دو جنس، و تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) برای بررسی کنش متقابل مراحل، عوامل و جنسیت استفاده شده‌است. یافته‌های این تحقیق در جداول زیر نشان داده شده‌است.

جدول ۱- آزمون مستقل t بین زنان و مردان مطلقه در عوامل اجتماعی، اقتصادی، روانی-عاطفی در قبل، حین و پس از طلاق (df = ۱۱۵)

P ≤	T	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	شاخص آماری		عامل	مرحله‌ی طلاق
					تعداد	گروه‌ها		
.۰/۷۰	۲/۴۶	.۰/۸۹	۷/۱۳	۳۲/۸۱	۶۳	زن	اجتماعی	قبل از طلاق
					۵۳	مرد		
.۰/۳۴	.۰/۹۵	.۰/۷۹	۶/۳۰	۲۵/۴۸	۶۳	زن	اقتصادی	
					۵۳	مرد		
.۰/۳۷	.۰/۹۰	۱/۱۰	۸/۷۹	۳۸/۹۸	۶۳	زن	روانی-عاطفی	
					۵۳	مرد		
.۰/۰۵	۱/۹۸	.۰/۶۸	۵/۴۶	۲۴/۳۱	۶۳	زن	اجتماعی	حین طلاق
					۵۳	مرد		
.۰/۸۳	.۰/۲۱	.۰/۹۳	۷/۴۸	۲۳/۹۰	۶۳	زن	اقتصادی	
					۵۳	مرد		
.۰/۰۷	۱/۸۳	۱/۲۴	۹/۹۲	۴۶/۰۶	۶۳	زن	روانی-عاطفی	
					۵۳	مرد		
.۰/۳۴	.۰/۹۵	.۰/۹۵	۷/۶۳	۳۷	۶۳	زن	اجتماعی	پس از طلاق
					۵۳	مرد		
.۰/۲۴	۱/۱۷	.۰/۷۸	۶/۲۱	۲۶/۶۸	۶۳	زن	اقتصادی	
					۵۳	مرد		
.۰/۰۳	۲/۱۹	.۰/۸۸	۷/۰۴	۴۰/۳۲	۶۳	زن	روانی-عاطفی	
					۵۳	مرد		
.۰/۰۴	۲/۰۰	۱/۳۶	۹/۹۱	۲۲/۴۸	۶۳	زن	نگرانی برای بچه‌ها	
					۵۳	مرد		



جدول ۲- آزمون مجذور کای بین زنان و مردان  
در عامل‌های مختلف  
(df = ۳)

P ≤	x <sup>2</sup>	زنیان	متوسط	م	زنیان	نوع نگرش		عامل
						تعداد	گروه‌ها	
.۰۵۶	۲/۰۵	۱۸	۱۱	۱۴	۲۰	۶۳	زن	مشورت با دوستان برای جدایی
		۱۵	۵	۱۶	۱۷	۵۳	مرد	
.۰/۱۱	۵/۹۶	۳۳	۸	۱۰	۱۳	۶۳	زن	تفاهم نداشتن با همسر
		۳۲	۱۲	۴	۵	۵۳	مرد	
.۰/۰۰۳	۱۳/۹۰	۳۵	۶	۸	۱۵	۶۳	زن	نگرانی از گفته‌ی مردم
		۱۲	۱۱	۱۴	۱۶	۵۳	مرد	
.۰/۰۲	۹/۵۲	۳۵	۱۱	۵	۱۲	۶۳	زن	نگرانی از آینده‌ی اقتصادی
		۱۶	۹	۶	۲۲	۵۳	مرد	
.۰/۰۰۵	۱۲/۶۲	۴۲	۲	۱	۹	۶۳	زن	نگرانی از سرنوشت فرزند
		۲۲	۵	۸	۱۱	۵۳	مرد	
.۰/۷۱	۱۲/۶۲	۲۷	۱۲	۹	۱۴	۶۳	زن	بیزاری از ازدواج مجدد
		۲۱	۸	۷	۱۷	۵۳	مرد	
.۰/۱۸	۴/۸۲	۴۵	۱۱	۵	۳	۶۳	زن	احساس رهایی کردن
		۳۲	۶	۹	۶	۵۳	مرد	
.۰/۶۱	۱/۸۰	۳۱	۲۴	۵	۳	۶۳	زن	برآمدن از عهده‌ی پی‌آمدهای طلاق
		۲۹	۱۴	۵	۴	۵۳	مرد	
.۰/۵۱	۲/۲۶	۳۲	۱۲	۱۲	۹	۶۳	زن	خوش‌بینی به آینده
		۲۴	۱۵	۶	۸	۵۳	مرد	

جدول ۳- آزمون تحلیل واریانس دوطرفه‌ی اندازه‌گیری‌های مکرر بین زنان و مردان در عامل اجتماعی قبل، حین و بعد از طلاق

منابع تغییر	شاخص آماری	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	احتمال F
عامل جنسیت		۴/۵۰	۱	۴/۵۰	۵/۰۸	۰/۰۲
عامل اجتماعی در سه زمان		۵/۹۵	۲	۲/۹۸	۱۴/۲۴	۰/۰۰۰۱
کنش متقابل دو عامل		۰/۸۴	۲	۰/۴۲	۲	۰/۱۳
خطای درون آزمودنی‌ها		۴۸/۱۰	۲۳۰	۰/۲۱	-	-
خطای بین آزمودنی‌ها		۱۰۱/۹۹	۱۱۵	۰/۸۹	-	-

جدول ۴- آزمون تحلیل واریانس دوطرفه‌ی اندازه‌گیری‌های مکرر بین زنان و مردان در عامل اقتصادی قبل، حین و بعد از طلاق

منابع تغییر	شاخص آماری	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	احتمال F
عامل جنسیت		۰/۷۷	۱	۰/۷۷	۰/۸۱	۰/۳۶
عامل اقتصادی در سه زمان		۱/۷۹	۲	۰/۸۹	۳/۴۲	۰/۰۳
کنش متقابل دو عامل		۰/۱۷	۲	۰/۰۸	۰/۳۲	۰/۷۲
خطای درون آزمودنی‌ها		۶۰/۱۵	۲۳۰	۰/۲۶	-	-
خطای بین آزمودنی‌ها		۱۰۸/۴۶	۱۱۵	۰/۹۴	-	-

جدول ۵- آزمون تحلیل واریانس دوطرفه‌ی اندازه‌گیری‌های مکرر بین زنان و مردان در عامل روانی-عاطفی قبل، حین و بعد از طلاق

منابع تغییر	شاخص آماری	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	احتمال F
عامل جنسیت		۳/۶۰	۱	۳/۶۰	۴/۲۱	۰/۰۴
عامل روانی-عاطفی در سه زمان		۳/۳۴	۲	۱/۶۷	۵/۷۵	۰/۰۰۴
کنش متقابل دو عامل		۰/۳۱	۲	۰/۱۶	۰/۵۴	۰/۵۸
خطای درون آزمودنی‌ها		۶۶/۸۱	۲۳۰	۰/۲۹	-	-
خطای بین آزمودنی‌ها		۹۸/۳۶	۱۱۵	۰/۸۶	-	-

جدول ۶- آزمون تحلیل واریانس دوطرفه‌ی اندازه‌گیری‌های مکرر  
بین زنان و مردان در عوامل اجتماعی، اقتصادی و روانی-عاطفی

منابع تغییر	شاخص آماری	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	احتمال F
عامل جنسیت		۲۳/۹۷	۱	۲۳/۹۷	۴/۲۹	۰/۰۴
عوامل سه‌گانه		۲۶۷/۲۸	۲	۱۳۳/۶۴	۱۰۸/۴۲	۰/۰۰۰۱
کنش متقابل دو عامل		۲/۶۵	۲	۱/۳۳	۱/۰۸	۰/۳۴
خطای درون آزمودنی‌ها		۲۸۳/۵۰	۲۳۰	۱/۲۳	-	-
خطای بین آزمودنی‌ها		۶۴۲/۹۲	۱۱۵	۵/۵۹	-	-

جدول ۷- آزمون تحلیل واریانس دوطرفه‌ی اندازه‌گیری‌های مکرر  
بین زنان و مردان در عوامل قبل، حین و بعد از طلاق

منابع تغییر	شاخص آماری	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	احتمال F
عامل جنسیت		۲۳/۹۷	۱	۲۳/۹۷	۴/۲۹	۰/۰۴
عوامل در سه زمان		۳۰/۰۴	۲	۱۵/۰۲	۱۴/۶۱	۰/۰۰۰۱
کنش متقابل دو عامل		۰/۲۶	۲	۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۸۸
خطای درون آزمودنی‌ها		۲۳۶/۴۵	۲۳۰	۱/۰۳	-	-
خطای بین آزمودنی‌ها		۶۴۲/۹۲	۱۱۵	۵/۵۹	-	-

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که زنان در مراحل قبل و حین طلاق، فشار اجتماعی بیشتری از مردان احساس کرده‌اند، اما در مرحله‌ی پس از طلاق، تفاوتی معنادار از نظر عامل اجتماعی بین مردان و زنان دیده‌نمی‌شود. این عدم تفاوت، ناشی از روی آوردن زنان به فعالیت‌های مختلف تفریحی، آموزشی، فرهنگی، شغلی و غیره است که احتمالاً موجب کاهش فشارهای اجتماعی بر آنان می‌شود. تحلیل واریانس دوطرفه‌ی اندازه‌گیری‌های مکرر عامل اجتماعی قبل، حین و بعد از طلاق بین مردان و زنان، در مجموع تفاوت معناداری بین این دو جنس نشان می‌دهد (جدول ۳). این نتایج، آسیب‌پذیری بیشتر زنان از فشارهای اجتماعی طلاق را نشان می‌دهد.

یافته‌های جدول ۱ و همچنین آزمون تحلیل واریانس دوطرفه‌ی اندازه‌گیری‌های مکرر دو عامل اقتصادی قبل و بعد از طلاق بین مردان و زنان نشان می‌دهد فشار اقتصادی تأثیری مشابه بر مردان و زنان داشته‌است، اما نتایج آزمون مجذور کای بین زنان و مردان در مورد نگرانی از آینده‌ی اقتصادی تفاوتی معنادار نشان می‌دهد که همگی دلالت بر وجود تنگناهای مالی-اقتصادی بیشتر برای زنان دارد. عدم تفاوت معنادار بین زنان و مردان را می‌توان به دلیل وضعیت نامناسب اقتصادی کل جامعه دانست و این واقعیت که مردان در جریان طلاق مجبور به تحمل هزینه‌های سنگین در پرداخت مهریه، نفقه و غیره هستند، همسنگ نگرانی‌هایی است که زنان نسبت به وضعیت اقتصادی دارند.

نتایج جدول ۱ نشان‌دهنده‌ی تفاوتی معنادار بین زنان و مردان در تحمل آثار روانی-عاطفی در مراحل حین و پس از طلاق است و در مرحله‌ی قبل از طلاق تفاوتی معنادار دیده‌نی‌شود؛ به این دلیل که در مرحله‌ی تصمیم‌گیری، هر دو طرف احساساتی مشابه دارند ولی هر چه طلاق به مرحله‌ی عمل نزدیک‌تر می‌شود، زنان در شرایطی نامساعدتر قرار می‌گیرند و برای بسیاری از آنان مشکلات عاطفی، سال‌های متمادی پس از جدایی نیز ادامه می‌یابد.

نتایج آزمون  $t$  مستقل بین زنان و مردان مطلقه در عامل نگرانی نسبت به فرزندان (جدول ۱)، و همچنین آزمون مجذور کای بین پاسخ‌های زنان و مردان در مورد نگرانی از سرنوشت فرزندان (جدول ۲) تأییدکننده‌ی یک‌دیگر و حاکی از نگرانی بیشتر مادران در این خصوص است که در این مورد، در مقایسه با پدران، نگرانی و احساس گناه بیشتری تجربه می‌کنند.

نتایج آزمون تحلیل واریانس دوطرفه‌ی اندازه‌گیری‌های مکرر بین زنان و مردان، در مراحل قبل، حین و بعد از طلاق (جدول ۷) نشان می‌دهد که مردان و زنان دشواری مراحل طلاق را مشابه تجربه کرده‌اند. برای هر دو جنس، مرحله‌ی بعد از طلاق دشوارتر و سپس به‌ترتیب مراحل قبل و حین طلاق دشوار بوده‌است.

مرحله‌ی قبل از طلاق، در رتبه‌ی دوم دشواری قرار دارد، چون دوره‌ی تصمیم‌گیری برای جدایی و شروع فرآیند طلاق، دوره‌ی است سخت و پرفشار و ممکن است مدت‌ها طول بکشد.

مرحله‌ی حین طلاق که شامل اجرای تصمیم و درگیری در مراحل قانونی طلاق است در مقایسه با دو دوره‌ی دیگر کوتاه و گذرا است؛ به همین خاطر، در مقایسه با سایر مراحل، دشواری کمتری به همراه دارد.

بنا بر یافته‌های جدول ۲، اکثر مردان و زنان تمایل به مشورت با دوستان در مورد جدائی‌شان نداشته و تفاوتی نیز بین دو گروه دیده‌نشده‌است. بر همین اساس، زنان و مردان، هر دو در مورد تفاهم نداشتن با همسرشان اتفاق نظر دارند و در این مورد هم، تفاوت معناداری بین پاسخ‌هایشان دیده‌نشده‌است، چون نبود تفاهم، موجب اژه‌م‌گسستن این روابط خواهد شد.

نتایج آزمون مجذور کای بین زنان و مردان در مورد نگرانی از گفته‌ی مردم، نشان‌گر تفاوتی معنادار بین آنها است و زنان بیشتر نگران گفته‌ی مردم درباره‌ی طلاق‌شان هستند (جدول ۲). زنان پس از طلاق، وضعیتی متزلزل‌تر از مردان در اجتماع دارند و اغلب، نگرانی بیشتری از گفته‌های مردم درباره‌ی ناسازگاری خود دارند.

از سوی دیگر، بر اساس نتایج جدول ۲، هم زنان و هم مردان از ازدواج مجدد بیزار بوده‌اند. این احساس بیزاری، ناشی از تجارب تلخ و دردناکی است که در دوران زندگی مشترک در طلاق خود تجربه کرده‌اند. بنابراین، حاضر نیستند تجربه‌ی مشابهی را بپذیرند.

نتایج آزمون مجذور کای بین مردان و زنان در مورد احساس رهایی (جدول ۲) نشان می‌دهد که هر دو احساسی مشابه دارند. بدین معنا که سختی‌ها و بحران طلاق به قدری آنها را تحت فشار گذاشته‌است که با وجود مشکلات پس از طلاق احساس رهایی و آزادی می‌کنند.

در مورد برآمدن از عهده‌ی پی‌آمدهای طلاق هم بین زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد. زنان گر چه شرایط سخت‌تر اقتصادی را تجربه می‌کنند،

اما از خودمختاری و استقلال بیشتری برخوردار می‌شوند و مردان بیشتر احساس وابستگی و درماندگی می‌کنند.

بر اساس یافته‌های جدول ۲، هم مردان و هم زنان به آینده خوش‌بین بوده‌اند. به نظر می‌رسد همه‌ی آن‌ها پس از شب تار زندگی ناموفق و طلاق، انتظار دمیدن سپیده‌ی زندگی شاد و موفقی را می‌کشند و با خوش‌بینی به امید آینده‌ی عاری از تجارب تلخ گذشته هستند.

### نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر در سه بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی، پاسخ به سوال‌های پژوهش (یافته‌های اصلی) و یافته‌های فرعی آمده است که خلاصه‌ی نتایج به شرح زیر است:

#### اطلاعات جمعیت‌شناختی

- افراد نمونه عمدتاً دارای تحصیلات متوسط (سیکل تا کارشناسی)، و کارمند با درآمد پایین بوده‌اند.
- بیشترین آمار طلاق در نمونه‌ی مورد پژوهش در طیف سنی ۲۳ تا ۳۳ ساله بوده است (۴۵/۵ درصد) و بالاترین فراوانی طلاق در ۵ سال اول زندگی رخ داده است (۵۱/۳ درصد).

#### یافته‌های اصلی

- آسیب‌پذیری زنان از پی‌آمدهای اجتماعی طلاق بیشتر بوده است.
- مشکلات اقتصادی تأثیر مشابهی بر زنان و مردان داشته، اما نگرانی زنان از آینده‌ی اقتصادی خود بیشتر از مردان بوده است.
- زنان بیشتر از مردان از مشکلات عاطفی-روانی رنج برده‌اند.

- نگرانی در مورد فرزندان و سرنوشت آن‌ها، در مادران بیشتر از پدران دیده شده‌است.
- مردان و زنان، دشواری مراحل طلاق را مشابه تجربه کرده‌اند و به ترتیب مراحل بعد، قبل و حین برای‌شان دشوار بوده‌است.

### یافته‌های فرعی

- زنان بیشتر از مردان از گفته‌ی مردم ابراز نگرانی نموده‌اند.
- تقریباً نیمی از افراد نمونه، تمام یا بخشی از مهریه را دریافت/پرداخت نموده‌اند (۵۲/۲ درصد) و نیم دیگر موفق به دریافت/پراخت آن نشده‌اند (۴۷/۸ درصد).
- مردان و زنان، هر دو از ازدواج مجدد بیزار بوده‌اند.
- هم زنان و هم مردان، احساس مشابهی از رهاشدن پس از طلاق داشته‌اند.
- تفاوتی بین زنان و مردان در ابراز توانایی برای برآمدن از عهده‌ی پی‌آمدهای طلاق دیده نشده‌است.
- هر دو نسبت به آینده خوش‌بین بوده‌اند.
- هر دو تمایلی به مشورت با دوستان در مورد جدائی‌شان نداشته‌اند.
- هم زنان و هم مردان، در نبود تفاهم با همسرشان اتفاق نظر داشته‌اند.

### پیشنهادها

- خدمات مشاوره‌ئی در زمینه‌ی ازدواج، ملاک‌های انتخاب همسر و آموزش خانواده، طلاق و پی‌آمدهای آن تقویت و فراگیر شود.
- با توجه به یافته‌های مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی مبنی بر وجود بیشترین آمار طلاق در طیف سنی ۲۳ تا ۳۳ ساله و بالاترین فراوانی آن در ۵

سال اول زندگی، لازم است بیش از پیش به اهمیت آموزش مهارت‌های ارتباطی، سازگاری و زندگی و خدمات مشاوره‌ئی در این سنین توجه نمود. طلاق یک قرارداد اجتماعی است. چنانچه وقوع آن اجتناب‌ناپذیر باشد، در این صورت نیز به خدمات مشاوره‌ئی برای کمک کارشناسی به افراد در برخورد با مشکلات و حل آن‌ها و شروع زندگی موفق و متفاوت نیاز است؛ زیرا طلاق پایان زندگی مشترک است نه پایان زندگی.

در این پژوهش نیز، مانند بسیاری از پژوهش‌های دیگر پی‌آمدهای ناگوار طلاق برای زنان بیشتر از مردان دیده شده است، بنابراین، لازم است برنامه‌ها و تدابیر ویژه‌ئی برای حمایت از زنان و مادران مطلقه اندیشیده شود.

با توجه به افزایش نرخ طلاق، انجام مطالعات طولی، موردی و تطبیقی در سطح ملی ضروری است.

شایان ذکر است علی‌رغم تلاش زیاد برای افزایش حجم نمونه و انتخاب نمونه به روش تصادفی، اطلاعات از نمونه‌ی دردسترس گردآوری شده، بنابراین طبعاً در تعمیم نتایج محدودیت بیشتری خواهد بود.



## منابع

- ۱- اخوان تفتی، مهناز و سیف، سوسن. «شوک پس از طلاق». *فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی انجمن مشاوره‌ی ایران*. پاییز و زمستان ۱۳۷۸.
- ۲- بهاری، فرشاد و میروسی، لیلی. «گونه‌شناسی طلاق و سیر آن». *پیام مشاوره*، نشریه‌ی داخلی اداره‌ی راهنمایی و مشاوره‌ی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. شماره‌ی ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۷.
- ۳- سپهریان، فیروزه. «بررسی مقدماتی عوامل مؤثر بر طلاق و راه‌های پیش‌گیری آن». *فصل‌نامه‌ی اصول بهداشت روان*. سال دوم، شماره‌ی ۵ و ۶، بهار و تابستان ۱۳۷۹.
- ۴- سیف، سوسن. *اصول مشاوره‌ی خانواده*، جزوه‌ی درسی (چاپ‌نشده). دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی. ۷۹-۱۳۷۸.
- ۵- دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال استان تهران. ۱۳۸۱.
- 6- Amato, Paul R. (2001). "Children of Divorce in the 1990s". *Journal of Family Psychology*. Vol. 15, No. 3.
- 7- Becker, B. J.; Whiteside, F. (2000). "Parental & young Childs Postdivorce Adjustment". *Journal of Family Psychology*. Vol. 14, No. 1.
- 8- Clapp, Genevieve (1992). *Divorce & New Beginnings*. John Wiley & sons, New York.
- 9- Dawn Bradley Berry, J. D. (1995). *The Divorce Source Book*. 2nd Ed., Lowell House.
- 10- Gold, Judith H. (1988). *Divorce as a Developmental Process*. American Psychiatric Press Inc.
- 11- Guttman, Joseph (1993). *Divorce in Psychosocial Perspective; Theory and Research*. Lawrence Elbaum Associates Publishers.
- 12- Mantle, Wendy (1975). *The Handbook of Separation and Divorce*. Rutledge. 1996.
- 13- Pothen, Sosamma (1987). *Divorce, Its Causes and Consequences in Hindu Society*. Vikas Publishing House, New Delhi.
- 14- Stewart, C.; Vandell, D.; McCartney, K.; Owen, M. (2001). "Effect of Parental Separation & Divorce on Very Young Children". *Journal of Family Psychology*. Vol. 15, No. 3.

- 15- Stewart, K. & Colleagues (2000). "Effects of Parental Separation and Divorce on Very Young Children". *Journal of Family Psychology*. Vol. 14, No. 2.
- 16- Weiss, Robert S. *Marital Separation*. Basic Books Inc., New York.
- 17- Young, Mark E.; Long, Lynn L. (1988). *Counselling and Therapy for Couples*.
- 18- Yun, J.; Irwin, T.; Sandler, N.; Zantra, A. (2000). "Stressful Events, Psychological Distress, Coping and Parenting". *Journal of Family Psychology*. Vol. 14, No. 1.
- 19- [www.cicred.ined.fr/rdr](http://www.cicred.ined.fr/rdr)
- 20- [www.emory.edu/english/Bahri/Divorce.html](http://www.emory.edu/english/Bahri/Divorce.html)
- 21- [www.intas.be/catalog/961.0033.htm](http://www.intas.be/catalog/961.0033.htm)
- 22- [www.OUP.CO.UK/lawfam/current/160095.sgm.abs.html](http://www.OUP.CO.UK/lawfam/current/160095.sgm.abs.html)
- 23- [www.LCCL.ie/constitution/divorce/gs-divorce.htm](http://www.LCCL.ie/constitution/divorce/gs-divorce.htm)
- 24- [www3.irandoc.ac.ir](http://www3.irandoc.ac.ir)
- 25- [www.Penpages.edu/reference/28507/2850725.html](http://www.Penpages.edu/reference/28507/2850725.html)

## پیوست

سوالات پرسش‌نامه برای سنجش هر یک از عوامل در مراحل سه‌گانه

نگرانی نسبت به فرزندان و سرنوشت آن‌ها	پس از طلاق			حین طلاق			قبل از طلاق		
	اقتصادی	اجتماعی	عاطفی-روانی	اقتصادی	اجتماعی	عاطفی-روانی	اقتصادی	اجتماعی	عاطفی-روانی
۱۴	۶۳	۶۲	۶۱	۳۲	۳۲	۳۳	۲	۱	۳
۱۷	۶۶	۶۵	۶۴	۳۵	۳۴	۳۶	۵	۴	۶
۳۴	۶۹	۶۸	۶۷	۳۸	۳۷	۳۹	۹	۷	۸
۳۷	۷۴	۷۰	۷۱	۴۱	۴۰	۴۲	۱۲	۱۰	۱۱
۳۹	۷۸	۷۳	۷۲	۴۴	۴۳	۴۵	۱۶	۱۴	۱۳
۴۸	۸۲	۷۶	۷۵	۴۹	۴۶	۴۸	۱۹	۱۸	۱۵
۵۶	۸۵	۷۹	۷۷	۵۲	۵۱	۵۰	۲۳	۲۱	۱۷
	۹۰	۸۱	۸۰	۵۴	۵۵	۵۳	۲۵	۲۴	۲۰
	۹۲	۸۳	۸۷	۵۷		۵۶	۲۹	۲۷	۲۲
	۹۴	۸۴	۸۹			۵۸		۳۰	۲۶
		۸۶	۹۳			۵۹			۲۸
		۸۸	۹۵			۶۰			
		۹۱							